

اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری (مطالعه موردی: منطقه ۵ شهرداری اصفهان)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۷

احمد خادم‌الحسینی^۱ (استادیار گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد)
راضیه قدرجانی دانشجوی* (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان)
امیر زاهدی یگانه دانشجوی (کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد)

چکیده

الگوی اداره مردمی شهر، مبحث جدیدی است که در حوزه مدیریت شهری وارد شده است. طبق این الگو، تصمیم‌گیری‌های مربوط به امور شهری با همکاری و هم‌یاری حکومت، بخش خصوصی و جامعه مدنی اتخاذ می‌شود و سیاست‌گذاری‌هایی از بالا به پایین که توسط حکومت مرکزی انجام می‌شد را مورد چالش قرار می‌دهد. یکی از مسائل مهم در نظام مردم - سالاری، میزان مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژه‌های شهری می‌باشد. مقاله حاضر با هدف تحلیل سنجش اداره مردمی شهر و همچنین سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس یافته‌ها و نتایج یک بررسی میدانی از منطقه‌ی ۵ شهرداری اصفهان تهیه شده است. روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای کتابخانه ای، اسنادی و نیز میدانی (پرسشنامه) و نوع تحقیق توصیفی- تحلیلی می‌باشد. فرآیند حاصل از پژوهش به این نتیجه دست یافته است که اگر چه بحث مشارکت در بین نهادها و ارگان‌های مربوطه بوده و هست ولی هنوز معنای واقعی مشارکت و نهادینه شدن آن در بین مسئولین و شهروندان، به خصوص در جامعه مورد مطالعه (منطقه ۵ شهرداری اصفهان)، خود مشکلی است که باید مورد توجه قرار گیرد و راهکارهایی جهت آن ارائه گردد.

واژه های کلیدی:

مدیریت شهری، اداره مردمی شهر، مشارکت، شهروندان.

* نویسنده رابط: razieh.ghadarjani@gmail.com

^۱ a.khademolhoseiny@yahoo.com

مقدمه

الگوی اداره مردمی شهر، به عنوان فرایند مشارکتی توسعه‌ی تعریف می‌شود که به موجب آن همه بهره‌وران شامل حکومت، بخش خصوصی و جامعه‌ی مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری شدن سریع فراهم می‌کنند. در شرایط کشورهای در حال توسعه‌ی شهرنشینی سریع در تداوم مدیریت‌های سنتی شرایط نامساعدی را در شهرها به وجود آورده که ضرورت تقویت حکومت‌های محلی و مشارکت مردم و بخش خصوصی را در برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی شهری اجتناب ناپذیر می‌سازد. در واقع امروزه مشخص شده که حل مشکلات شهری شدن سریع در این کشورها فقط با اصلاح رویکردهای سنتی مدیریتی و استفاده از رهیافت‌های نوین مدیریتی امکان‌پذیر است. بنابراین لازمه‌ی رفع ناپایداری توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه رفع ناپایداری‌ها از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و در واقع اثرپذیری، مسئولیت پذیری بیش تر در اداره امور شهری، تفویض وظایف و قدرت به حکومت‌های محلی و سایر ذی‌نفعان محلی است که تمام این‌ها به شیوه جدیدی از اداره شهرها به نام اداره مردمی شهر دلالت دارد. در این الگو، مدیریت شهری از بالا به پایین جای خود را به مدیریت شهری از پایین به بالا داده و در این راستا مشارکت شهروندان در اداره امور شهری جزء جدایی ناپذیر آن است (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۷۰).

اهداف پژوهش

این پژوهش اهدافی چند را پی می‌گیرد و سعی در تحقق آن‌ها می‌رود:

- اداره‌ی مردمی شهر و مشارکت شهروندان، بر این راستا هدایت می‌شود که منجر به رویکرد همکاری و تشریک مساعی بین دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی شود و همچنین تاکید بر مشارکت مردم در اداره مردمی شهر شود.
- استفاده از نظرات مردم و نهادهای محلی با تاکید بر مشارکت در جهت انعطاف پذیری و پویایی و اصلاح‌پذیری مدیریت شهری با هدف روشن شدن جایگاه مردم در اداره شهر خود می‌باشد.

فرضیات پژوهش

با توجه به عوامل اصلی در فرآیند اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر و بر اساس پایگاه نظری دو فرضیه تدوین شد:

فرضیه‌ی اول: بین تشکیل یک ساختار سازمانی برای شهرداری‌ها که مشارکت در آن یک رکن اصلی را بازی می‌کند، با اداره مردمی شهر و توسعه مدیریت شهری رابطه وجود دارد.

فرضیه‌ی دوم: شرایط و بستر لازم جهت مداخله شهروندان به منظور اداره مردمی شهر در منطقه ۵ شهرداری اصفهان وجود دارد.

پیشینه پژوهش

یکی از نخستین مطالعات در حوزه‌ی مسائل شهری از حیثه‌ی اداره مردمی شهر راه، برایان مک‌لالین^۱ در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ انجام داده است. از نظر او اداره مردمی شهر نوعی فرآیند است که متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در برمی‌گیرد. افراد دیگری همچون اتکینسن^۲ و مک کینلی^۳ نیز پس از او این بحث را مطرح کردند. این مفهوم نه تنها با تشکیلات دولتی و رسمی و همچنین نهادهای شهری و منطقه‌ای که رسماً امور عمومی را اداره می‌کنند ارتباط می‌یابد بلکه فعالیت بسیاری از گروه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر را در برمی‌گیرد (UN,2000: 1). ترنر و بارت^۴ مؤلفه‌های اصلی اداره مردمی شهر را موارد زیر دانسته‌اند؛ مشروعیت حکومت، مسئولیت و پاسخ‌گویی و در واقع اصل اساسی اداره مردمی شهر و تحقق آن را مشارکت شهروندان می‌دانند (Rusmarsidik,2000: 10). در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفت (رهنما، ۱۳۸۸: ۱۷۲). در این راستا کسانی مثل؛ روسی^۵ (۲۰۰۶)، اسمیت^۶ (۲۰۰۶) ولی^۷ (۲۰۰۶) در تحقیقات خود نشان دادند که برای افزایش مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور مختلف، وجود اعتماد الزامی است. به عبارتی در هزاره‌ی جدید که اندیشه‌های پست مدرنیستی مجال بروز یافته‌اند، مواردی چون اعتماد نهادی، رضایتمندی اجتماعی رضایتمندی بهداشتی و مفاهیم انسان‌گرایانه دیگری تحت عنوان رفاه اجتماعی جمع آمده‌اند (Giddens, 2006, Bannet.2004).

1. Brian Mc Laughlin
2. Atkinson
3. Mc Kinlay
4. Turner and Barr
5. Rose
6. Smith
7. Lee

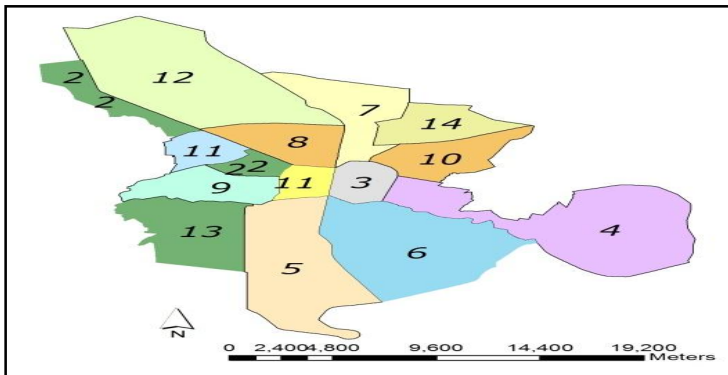
روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در پی تلفیق دو شاخه‌ی مدیریت شهری و مشارکت است؛ به گونه‌ای که به نتایج حاصل از آن در منطقه‌ی ۵ شهرداری اصفهان دست یابد. نوع تحقیق به صورت توصیفی-تحلیلی و روش مطالعه آن اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. در این راستا، جهت تکمیل اطلاعات موجود، از پرسشنامه استفاده شده و از طریق نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل و استنتاج شده است. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه در فرآیند پرسشگری شامل شهروندان منطقه ۵ شهرداری اصفهان می‌باشد. روش نمونه برداری از جامعه آماری تصادفی است و با توجه به اینکه جمعیت منطقه ۵، برابر با ۱۵۶۸۲۸ نفر است با استفاده از روش کوکران (حافظ-نیا، ۱۳۸۹:۱۶۷) حدود ۳۰۰ پرسشنامه مورد نیاز می‌باشد.

معرفی اجمالی محدوده مورد مطالعه

منطقه ۵ شهرداری اصفهان، یکی از مناطق چهارده‌گانه‌ی شهرداری کلان‌شهر اصفهان می‌باشد که در جنوب غربی این شهر و در حاشیه جنوبی رودخانه‌ی زاینده‌رود قرار دارد. جمعیت این منطقه بر پایه‌ی آمار استان اصفهان در سال ۱۳۸۸، حدود ۱۵۶۸۲۸ نفر برآورد شده است (سالنامه آماری اصفهان، ۱۳۸۸).

نقشه شماره ۱: محدوده نمونه موردی پژوهش (منطقه ۵ شهر اصفهان)



مأخذ: آمار نامه شهر اصفهان (۱۳۹۰)

مبانی نظری پژوهش

تعریف مدیریت^۱ و مدیریت شهری^۲

مدیریت: "کارکردن با افراد و گروه‌ها برای رسیدن به مقاصد سازمان" (هوس و ایچ بلانچارد، ۱۳۷۱: ۲۸). مدیریت شهری: عبارت است از اداره‌ی امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار و همچنین یک سازمان گسترده‌ی متشکل از عناصر و اجزای رسمی و غیر رسمی موثر و زیربند در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه‌ی همه جانبه و پایدار شهر مورد نظر (رضویان، ۱۳۷۵: ۱۲).

تعریف شهرداری و تفاوت آن با مدیریت شهری

اداره‌ی یک شهر بدون وجود مدیریت امکان پذیر نیست. بنا به نظر محققان دائرةالمعارف برینانیا هر قدر هم که در تاریخ به عقب برگردیم به شهری که فاقد حکومت باشد بر نمی‌خوریم. در برخی از کشورهای اروپایی، شهرها در طول چند قرن واحدهای سیاسی مستقل بوده اند. اگر چه دولت شهرهای یونان قدیم مشهورترین مثال برای این پدیده اند، اما حکومت های محلی شهری در کشورهای انگلستان، فرانسه و ایتالیا و اسپانیا و آلمان خیلی قدیمی تر از حکومت ملی هستند (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۸: ۱۶).

ترادف مفهوم مدیریت شهری به رغم ماهیت آن با مفهوم شهرداری به عنوان سازمان مدیریت شهری ما را ناگزیر می سازد تا مفهوم شهرداری را نیز بیان نمائیم. عنصر سازمانی در نظام اداره امور شهرهای کشور سازمانی عمومی غیردولتی با نام شهرداری است. در یک تعریف می‌توان گفت:

شهرداری سازمانی است حقوقی و محلی و مستقل که در محدوده شهر برای رفع نیازهای عمرانی، رفاهی و خدماتی مردم شهر که جنبه‌ی محلی دارد تشکیل می‌گردد و منظور آن حل و فصل امور با مشارکت شهروندان است. (اسکندری، ۱۳۷۰: ۱۴)

گاه مدیریت شهری همان اجرای سیاست یا مدیریت عمومی در عرصه تلقی شده و زمانی دیگر به کلیه فعالیت هایی اطلاق می‌گردد که برای نیل به توسعه‌ی شهر انجام می‌شود. در واقع از دیدگاه بانک جهانی، مدیریت شهری رهیافتی تجاری مانند است که ممکن است استفاده از وام‌ها را کارآمد و موثرتر کند و از نظر کمیسیون سکونت گاه های انسانی سازمان ملل^۳

۱- Management

۲- Urban Management

3 - UNCHS

مدیریت شهری به طور کلی به عنوان الگویی برای مدیریت و توسعه سکونت گاه های شهری اعم از شهرهای کوچک و بزرگ و مادر شهرها مطرح شود، و همه بازیگران فعال در امور شهری نظیر شرکت های خصوصی، مجامع غیر دولتی، مجامع مدنی و دیگر افراد و گروه هایی را که در شهر کار و زندگی می کنند، در بر می گیرد (سعیدی رضوانی، ۱۳۷۸: ۱۸).

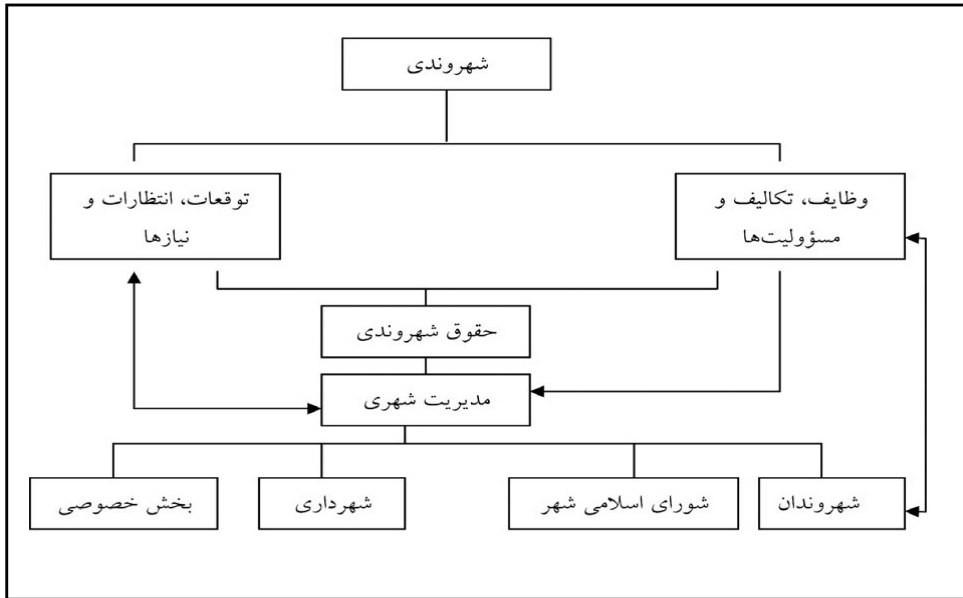
مهم ترین عامل در اداره شهر، روند تعیین اولویت ها و تصمیم گیری هایی است که بنابر ارزش جامعه شهری می باید تضمین کننده منافع جمع باشد، بنابراین مدیریت شهری به عنوان چهارچوب سازمانی (اداره) و توسعه شهر، به سیاست ها، برنامه ها، طرح ها و عملیاتی مربوط می شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت شهر با دسترسی به زیربناها، مسکن و اشتغال هستند (صرافی، ۱۳۷۵: ۴۴).

بنابراین با توجه به این تعاریف و مفاهیم، به این نتیجه می رسیم که شهرداری، معادل مدیریت شهری نیست، البته لازم به ذکر است بدانیم که در جهان مدیریت شهری معادل شهرداری است، ولی در ایران این طور نیست و در واقع مشکل عمده ایران از حیثه مدیریت شهری این است که ایران یک نظام بخشی دارد یعنی هر یک از سازمان ها و نهادها مثل آموزش و پرورش و یا نیروی انتظامی و ... خودش کار می کند و زیر نظر شهرداری ها نیستند، که این در کشورهای غربی برعکس است.

شهروند و حقوق شهروندی

"شهروند"، کسی است که در برابر حکمروایان شهری، هم "حق" دارد و هم "تکلیف"؛ یعنی هم باید "وظایفی" را در مقابل آن ها انجام دهد و هم باید از آن ها "انتظاراتی" داشته باشد. مدیران شهری می توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی های مدیریت شهری بیفزایند. بنابراین در بحث مدیریت شهری می توان به نقش مسئولین شهری، در کشاندن شهروندان به سوی کنش های مشارکتی اشاره نمود (رضویان، ۱۳۸۱: ۲۰).

نمودار شماره ۱: ارتباط مدیریت شهری، شهروندی و حقوق شهری



مأخذ: (صرافی و عبدالمهی، ۱۳۸۷:۱۳۰)

مشارکت

مشارکت، امروزه یکی از شاخص‌های رهبری و بلوغ سازمانی محسوب می‌شود. در مطالعات انجام شده در زمینه مدیریت شهری مبتنی بر اطلاعات و دانش، جلب مشارکت مردمی یکی از پارامترهای اصلی توسعه‌یافتگی محسوب شده است. با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز ظرفیت‌های موجود این منشور ملی که حوزه اقتصاد را حول محور تعاونی در نظر گرفته است، بهره‌گیری از مشارکت مردم با توزیع و واگذاری فعالی تنها به بخش خصوصی و مردم (از طریق سازو کارهای مدبرانه قابل پیش‌بینی موجود) ضمن جلب مشارکت مردمی و کوچک سازی سازمان شهرداری و تاثیرات شگرف آن در مدیریت دولتی، رویکرد " محله محوری" در قالب شرکت‌های تعاونی محلات در سامان دهی به امور شهری محقق می‌شود (سالاروندیان و دیگران، ۱۳۸۹:۱۵).

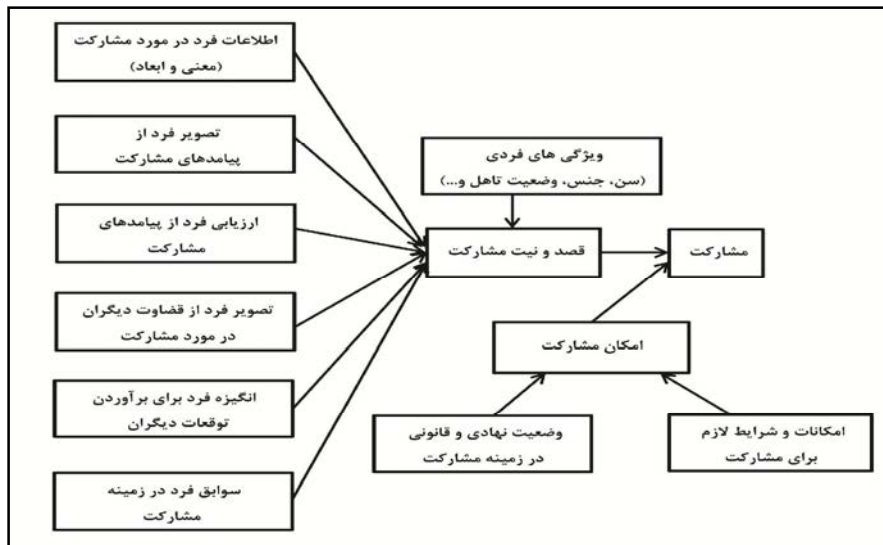
جدول شماره ۱: مفهوم مشارکت از دیدگاه صاحب نظران

صاحب نظران	تعریف	مفهوم
کلارک و رابرتز (۱۹۷۳)	مشارکت شامل هر فرآیندی است که از طریق آن افراد سهمی در رسیدن به تصمیم های مدیریتی توسعه دارند.	فرایند
پیترسون (۱۹۸۹)	مشارکت سیستمی از مدیریت است که در قالب آن افراد بر تصمیم های توسعه ای اثر می گذارند.	نفوذ و کنترل
رامرز (۱۹۶۹)	مشارکت کلیه اشکال اعمال قدرت توسط زیر دستان است، که از نظر آن ها مشروع جلوه کند.	شکل اعمال قدرت
لاک، شویچی و لاتام (۱۹۸۸)	مشارکت تصمیم گیری مشترک است و باید از تصمیم گیری دستوری و یا تفویض اختیار به غیر تمیز داده شود.	تصمیم گیری
واوم ولوتانز (۱۹۷۷-۱۹۵۹)	مشارکت عبارت است از ادراک هر فرد از میزان نفوذی که بر تصمیم گیری دارد و مقایسه آن با میزان نفوذ واقعی وی در تصمیم گیری.	ادراک نفوذ

مأخذ: (اوکلی و همکاران، ۱۹۳۷۰:۱۹)

اقدام مشارکت توسط یک فرد هنگامی صورت می پذیرد که اولاً قصد و نیت او برای مشارکت شکل گرفته و او انگیزه‌ی کافی برای مشارکت را یافته باشد، ثانیاً امکان مشارکت برای فرد خواهان آن فراهم گشته باشد (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۲۳-۲۲).

نمودار شماره ۲: عوامل مؤثر بر میزان مشارکت افراد



مأخذ: (علوی تبار، ۱۳۸۲: ۲۳)

سوق دهی مردم به سوی مشارکت، اعتماد سازی دو طرفه بین مردم و مسئولین نقش اساسی را بازی می نماید (Marshal, 2004:235).

بحث و یافته‌های پژوهش

برای بررسی اداره‌ی مردمی شهر و مشارکت شهروندان در مدیریت شهری سؤالات زیر مطرح گردید که به تحلیل آن‌ها در زیر می‌پردازیم.

وضعیت جنسی پاسخگویان

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

جنسیت	فراوانی	درصد فراوانی
مرد	۱۷۶	۵۸.۷
زن	۱۲۴	۴۱.۳
مجموع	۳۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در میان پاسخ‌گویان، ۵۸.۷ درصد مرد و ۴۱.۳ درصد

زن هستند.

وضعیت تحصیلی پاسخگویان

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد فراوانی
بی سواد	۶	۲.۰
زیر دیپلم	۵۲	۱۷.۳
دیپلم	۷۱	۲۳.۷
فوق دیپلم	۸۱	۲۷.۰
لیسانس	۷۳	۲۴.۳
فوق لیسانس و بالاتر	۱۷	۵.۷
مجموع	۳۰۰	۱۰۰

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

جدول شماره ۳ نشان می دهد که در مجموع ۸۰.۷ درصد از پاسخ گویان (شهروندان)، دارای تحصیلات دیپلم به بالا هستند که حاکی از بالا بودن سطح سواد شهروندان این منطقه از اصفهان می باشد.

نقش موثر ایجاد شورایارهای محلی در راستای اداره مردمی شهر و مدیریت شهری منطقه ۵

جدول شماره (۴) نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ گویان نسبت به نقش موثر ایجاد شورایارهای محلی در راستای اداره مردمی شهر و مدیریت شهری منطقه ۵ نشان می دهد که در ۳۲.۷٪ پاسخ گویان، این نقش را بین ۶۰-۴۰٪ و فقط ۷.۷٪ پاسخ گویان آن را بیش تر از ۸۰٪ را بیان کرده اند.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی پاسخ گویان به نقش موثر شورایارهای محلی در راستای اداره امور شهر و مدیریت شهری منطقه ۵

درصد فراوانی	فراوانی	نقش موثر ایجاد شورایارهای محلی در راستای اداره امور شهر و مدیریت شهری منطقه ۵
۱۹	۹۸	کمتر از ۲۰٪
۲۰	۸۷	بین ۲۰-۴۰٪
۳۲.۷	۶۸	بین ۴۰-۶۰٪
۲۰.۷	۳۵	بین ۶۰-۸۰٪
۷.۷	۱۲	بیش تر از ۸۰٪
۱۰۰	۳۰۰	جمع

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

شرایط لازم جهت مشارکت مردم در نظام مدیریت شهری منطقه ۵

جدول شماره ۵) نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخ گویان نسبت به شرایط و بستر لازم جهت مشارکت مردم در نظام مدیریت شهری منطقه ۵ نشان می دهد که ۴۹.۳٪ پاسخ گویان این شرایط لازم را کم تر از ۲۰٪ و فقط ۲.۳٪ بیش تر از ۸۰٪ آن را ارزیابی کرده اند.

جدول شماره ۵: توزیع فراوانی پاسخ گویان نسبت به شرایط و بستر لازم جهت مشارکت مردم در نظام مدیریت شهری منطقه ۵

درصد فراوانی	فراوانی	شرایط و بستر لازم جهت مشارکت مردم در نظام مدیریت شهری منطقه ۵
۴۹.۳	۱۴۸	کمتر از ۲۰٪
۲۰.۳	۶۱	بین ۲۰-۴۰٪
۱۵.۷	۴۷	بین ۴۰-۶۰٪
۸.۰	۲۴	بین ۶۰-۸۰٪
۲.۳	۷	بیش تر از ۸۰٪
۴.۳	۱۳	بی پاسخ
۱۰۰	۳۰۰	جمع

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

آزمون فرضیات

فرضیه اول:

بین تشکیل یک ساختار سازمانی برای شهرداری‌ها که مشارکت در آن یک رکن اصلی را بازی می‌کند، با اداره مردمی شهر و توسعه‌ی مدیریت شهری رابطه وجود دارد. با توجه به سوال مربوطه، به این فرضیه و پاسخ‌های ارائه شده، می‌توان میانگین کل برابر با ۵۰٪ را گویای سطح متوسطی از نقش مشارکت شهرداری‌ها به عنوان یکی از سازمان‌هایی دخیل در اداره‌ی شهر در منطقه‌ی ۵ اصفهان موثر باشد دانست اگر فرضیه‌ی فوق درست باشد، باید در آزمون t، فرض صفر رد شود.

جدول شماره ۶: شاخصهای توصیفی شورایاری‌ها

نقش مشارکت	تعداد	میانگین	انحراف معیار
شهرداری‌ها	۳۰۰	۵۴.۰۷	۲۲.۹۷

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ میانگین نمونه برابر با ۵۴.۰۷ شده است که از ۵۰٪ سطح متوسط بیش تر است و در این راستا برای تعمیم دادن به جامعه‌ی آماری از آزمون t استفاده می‌کنیم.

جدول شماره ۷: آزمون t یک طرفه شوراییها

One-Sample Test						
Test Value = ۰.۵۰						
فرضیه ۱	t	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
	4.284	290	.000	۴.۰۷	3.12	8.42

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

مقدار سطح معناداری (Sig.) برابر با ۰/۰۰۰ شده است و چون این مقدار از $\alpha = ۰/۰۵$ (خطای نوع اول) کم تر است، در آزمون فرض مزبور، فرض صفر رد می شود پس فرضیه ی فوق درست است و می توان گفت:

بین تشکیل یک ساختار سازمانی برای شهرداریها که مشارکت در آن یک رکن اصلی را بازی می کند، با اداره مردمی شهر و توسعه ی مدیریت شهری رابطه وجود دارد و شهرداریها می توانند به عنوان یکی از سازمان هایی که در راستای اداره مردمی شهر در حیطه مدیریت شهری شهرداری منطقه ۵ اصفهان گام بردارند موثر باشند.

فرضیه دوم:

شرایط و بستر لازم جهت مداخله شهروندان به منظور اداره ی مردمی شهر در حیطه ی مدیریت شهری در شهرداری منطقه ی ۵ اصفهان وجود دارد.

با توجه به سوال مربوط، به این فرضیه و پاسخ های ارائه شده، می توان میانگین کل برابر با ۰/۵۰ را گویای سطح متوسطی از شرایط و بستر لازم جهت مداخله ی شهروندان در اداره ی امور شهر در شهرداری منطقه ی ۵ اصفهان وجود دارد. اگر فرضیه فوق درست باشد، باید در آزمون t، فرض صفر رد شود.

جدول شماره ۸: شاخصهای توصیفی شرایط و بستر مداخله شهروندان در اداره امور شهر

شرایط و بستر لازم جهت مداخله شهروندان	تعداد	میانگین	انحراف معیار
	۲۸۵	۳۰.۳۳	۲۴.۸۹

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

همان گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود؛ میانگین شرایط و بستر مناسب جهت مداخله شهروندان به منظور اداره مردمی شهر برابر با ۳۰.۳۳ شده است که از ۵۰٪ سطح متوسط کم تر است و برای تعمیم این نتیجه به جامعه‌ی آماری از آزمون t استفاده می‌کنیم؛

جدول شماره ۹: آزمون t یک طرفه شرایط و بستر مناسب جهت مداخله شهروندان در اداره امور شهر

One-Sample Test						
Test Value = ۵۰٪						
فرضیه ۲	t	df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
	-۱۳.۳۳۹	28۴	.000	-۱۹.۶۷۰	-۲۲.۵۷	-۱۶.۷۷

مأخذ: اطلاعات پرسشنامه

از آنجا که سطح معناداری برابر ۰.۰۰۰ شده و این مقدار از ۰/۰۵ (خطای نوع اول) کمتر است، می‌توانیم بگوییم که میانگین پاسخها برابر با سطح متوسط نیست در نتیجه آزمون فرض مزبور، فرض صفر رد شده و به این معناست که فرض میانگین ۵۰٪ رد شده است و لذا میانگین شرایط مناسب جهت مشارکت مردم برابر ۵۰٪ سطح متوسط نیست و میانگین کوچک تر از ۵۰٪ است و این بدان معناست که فرضیه تحقیق رد می‌شود و در نتیجه نمی‌توان گفت:

شرایط لازم جهت مداخله شهروندان به منظور اداره‌ی مردمی شهر در حیطه مدیریت شهری در شهرداری منطقه ۵ اصفهان وجود دارد.

نتیجه‌گیری

شیوه تدوین نظام های مشارکتی بستگی به نظام های سیاسی و حکومتی اداره امور کشور دارد. اگر در جامعه‌ای شهروندی را به عنوان یک واقعیت و پدیده اجتماعی بدانیم آنگاه موقعیت شهروند بر یک حس عضویت داشتن در یک جامعه‌ی گسترده برای مشارکت جدی و فعالانه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دلالت دارد. این موقعیت و اعتماد به نظرات مردم در اداره امور شهر، نه تنها باعث مدیریت مطلوب و اداره مردمی شهری می‌شود بلکه به شهروندان نیز استقلال فردی را ارزانی می‌دارد به نظر میرسد شورایی‌های محلی و شورای اسلامی شهر و شهرداری منطقه‌ی ۵ اصفهان می‌توانند باتشکیل گروه‌ها و انجمن‌های تخصصی در این سازمان ها و مشارکت داوطلبانه متخصصان و شهروندان، موجبات ارتقاء و توسعه شهری را فراهم کنند و با توجه به نتایج حاصله چنانچه منطقه ۵ شهرداری اصفهان و مجموعه مدیریت شهری، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی به موقع نداشته باشند و روند اجرایی امور را از شهروندان پنهان کنند، حاصل کار بدبینی و بی‌اعتمادی و عدم مشارکت‌پذیری شهروندان در امور می‌باشد.

بررسی ها و مطالعات صورت گرفته در این پژوهش نشان می‌دهد، منطقه‌ی ۵ شهرداری اصفهان در بیش تر طرح ها و برنامه‌ریزیهای شهری، نیت اصلی مدیران شهری، عمدتاً تأمین منافع مدیران، برنامه‌ریزان و کارفرمایان بوده است؛ دامنه مشارکت، تأمین اعتبار مالی طرح‌ها و نگاه به مشارکت عموماً به عنوان ابزاری جهت مشروعیت بخشی به طرح‌هاست. نظر خواهی از شهروندان صورت نمی‌گیرد، حق اعتراض به طرح و نظارت شهروندان وجود ندارد و جریان اطلاعات عمدتاً یک سویه است و جریان آزاد اطلاعات و در واقع شفافیتی وجود ندارد و پشتوانه فکری غالب در بهترین حالت، دیدگاه کارکردگرایانه می‌باشد. به این ترتیب طرح‌های مشارکتی و در کل مدیریت شهری با توجه به معیارها و ویژگی‌های اداره مردمی شهر در منطقه‌ی ۵ شهرداری اصفهان وجود ندارد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شهرسازی و مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در منطقه ۵ اصفهان که داعیه مشارکتی بودن دارد، به صورت عملی کاری نکرده است و هنوز با اولین مراحل مشارکت به معنای واقعی فاصله زیادی دارد.

راهکارها و پیشنهادها

- اعتماد و باور به مردم و مشارکت دادن آن ها در اداره امور شهر، تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، نگاهی است که اگر به عنوان یک ضرورت در اندیشه تصمیم‌گیران و مدیران

شهری باشد، می‌تواند به نتایج مؤثرتر در فرآیند توسعه و افزایش اعتماد دولت و مردم و ارتقاء سرمایه‌های اجتماعی و در مجموع بهبود کیفیت زندگی شهروندان منجر شود.

- تلاش در جهت تمرکززدایی و واگذاری امور به سازمان های محلی و مردمی.
- تثبیت شوراها و ارتقای نقش آن ها به عنوان نماد واقعی مشارکت مردمی.
- فرآیند تکوین و تقویت جامعه‌ی مدنی به عنوان عوامل زمینه‌ساز مشارکت.
- آموزش فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی، چرا که با آموزش فرهنگ شهروندی، مردم آگاه‌تر به مسائل شهر خود خواهد شد.

- اداره‌ی مردمی شهر و مشارکت شهروندان باید به عنوان یکی از ورودی‌های ارزشمند، در توسعه شهری و مدیریت شهری و اجرای اقدامات و پروژه‌های شهری دخالت داده شود تا به تبع آن حکومتی شهروند مداری را خروجی دهد و جامعه مدنی معنای خود را در بین مفاهیم شهری پیدا کند.

- هر چه احساس تعلق اجتماعی شهروندان بیش تر باشد، میزان مشارکت آن ها در برنامه‌ریزی شهری و اداره امور شهر، به همان اندازه بیش تر می شود.

سخن آخر اینکه؛ مشارکت مردم و اداره مردمی شهر هنوز جایگاه واقعی خویش را در چارچوب مدیریت شهری و اداره امور شهر، نیافته و با وجود مشکلات، در اداره شهر، راهکارها و شیوه‌هایی جهت نهادینه کردن و اجرای سیستماتیک و عملی مشارکت مردم در تمامی امور شهر بعمل نیامده است. این در حالی است که به علت افزایش جمعیت و ازدیاد تعداد شهرها و مشکلات و چالش های شهر و شهروندی، نیاز به شیوه‌هایی نوین در مدیریت شهری دارد. با چنین برداشتی اداره مردمی شهر و مشارکت شهروندان به عنوان شیوه ای از مدیریت شهری باید گامی در جهت بسط و ارتقاء فرهنگ شهرسازی کشورمان برداشته و تلاشی به منظور نهادینه کردن فرهنگ مشارکت در بین مردم و مسئولین شهر به عمل آورده شود، چرا که با نهادینه شدن مشارکت مردم، گامی نوین در مدیریت شهری و اداره شهر برداشته خواهد شد، که خود نقش به سزایی را در رفع چالش های شهر و شهروندی و مدیریت شهری را ایفا خواهد کرد.

منابع و مأخذ:

- ۱- اسکندری، ع. ۱۳۷۰. اداره امور شهرداری‌ها. مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری. وزارت کشور. ص ۱۴.
- ۲- اوکلی، پ.، مارسدن، د. ۱۳۷۰. رهیافت مشارکت در توسعه روستایی. ترجمه منصور محمود نژاد. انتشارات وزارت جهاد سازندگی. تهران. ص ۱۹.
- ۳- پاول، ه، ایچ‌بلانچارد، ک. ۱۳۷۱. مدیریت رفتار سازمانی. ترجمه قاسم کبیری. جلد سوم. موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد). تهران. ص ۲۸.
- ۴- حافظ‌نیا، م. ۱۳۸۹. مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. انتشارات سمت. تهران. ص- ۱۶۷.
- ۵- رضویان، م. ۱۳۷۵. مدیریت شهری. جزوه درسی. دانشگاه شهید بهشتی. دانشکده علوم زمین. گروه جغرافیا. ص ۱۲.
- ۶- رضویان، م. ۱۳۸۱. مدیریت عمران شهری. انتشارات پیوند نو. تهران. ص ۲۰.
- ۷- رهنما، م. ۱۳۸۸. برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها). چاپ اول. انتشارات جهاد دانشگاهی. دانشگاه فردوسی مشهد. ص ۱۷۲.
- ۸- سالاروندیان، ف.، جعفری مهرآبادی، م.، حبیبی، ل.، جعفری مهرآبادی، ل. ۱۳۸۹. ضرورت مدیریت شهری الکترونیک در عصر جهانی شدن. محور اصلی؛ مدیریت شهر و جهانی شدن. ماهنامه اطلاع‌رسانی آموزش و پژوهشی شوراها. شماره ۵۳. ص ۱۴.
- ۹- سالنامه آماری استان اصفهان. ۱۳۸۸. معاونت برنامه‌ریزی. پژوهش و فناوری اطلاعات، شهرداری اصفهان.
- ۱۰- سعیدی رضوانی، ن. ۱۳۷۸. کنکاوشی در مفهوم شهرداری. مجله شهرداری‌ها. وزارت کشور. سال اول. شماره ۱. ۱۶-۱۸.
- ۱۱- صرافی، م. ۱۳۷۵. ضرورت بازنگری در نظام اداره کلانشهرهای ایران با استفاده از تجارب جهانی. مجله آبادی، وزارت مسکن و شهرسازی. شماره ۳۲. ص ۴۴.
- ۱۲- صرافی، م.، عبدالمهی، م. ۱۳۸۷. تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین. مقررات و مدیریت شهری کشور. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی. دانشگاه تهران. شماره ۶۳.
- ۱۳- علوی‌تبار، ع. ۱۳۸۲. مشارکت در اداره امور شهرها. جلد اول: بررسی الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها (تجارب جهانی و ایران). انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور. ۲۲-۲۳.

- ۱۴- لاله‌پور، م. ۱۳۸۶. حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه. جستارهای شهرسازی. شماره نوزدهم و بیستم. ص ۷۰.
- ۱۵- مهندسان مشاور نقش جهان پارس. ۱۳۷۶. طرح تفصیلی شهر اصفهان (منطقه ۵). سازمان مسکن و شهرسازی استان اصفهان.
- 16- Bannet, F. 2004. Development of social Security. Social Policy Review. University of Bristol. Great Britain. The Policy Press.
- 17- Giddens, Anthony. 2006. Sociology. Fifth Edition. Cambridge. Polity Press
- 18- Lee, E. 2006. A social resource model of political participation. Mass media use. social capital and political participation (Dissertation). Cornell University.
- 19- Marshal, M. 2004. Citizen Participation and the neighborhood Context: A New at the Co-production of Local Public Goods. Political Research Quarterly. Vol 57.No.2.PP.231-244.
- 20- Rose, Trent M. 2006. Measuring civic engagement in Idaho Falls (Dissertation). Idaho state university.
- 21- Rusmarsidik, T. 2000. Models of Urban Governance for Bandung Metropolitan Area in Indonesia. center for developing cities. WWW.Cities.Canbera.Edu.Au.
- 22- Smith, Ronald S. 2006. Discerning differences in social capital. The significance of interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation (Dissertation). Indiana University.
- 23- UN. 2000. Governance, participation and partnerships. Un.Org.